

مابرا درانیم برادران حقیقی...



■ غلامرضا پنی اسدی

دشمن که آمد با زبان گلوله، تمام قد برخاستیم که این آتش را فقط با آتش می شد خاموش کرد. آتشی که آمده بود شعله کشان تا ایمان مان را، انقلابمان را و ایرانمان را بسوزاند، اما اخگر به جان هر کدام پاره ای از آتش شدیم و در کنار هم سپری از آتش درست کردیم تا دشمن آتش افروز را در خویش خاکستر کنیم و کردیم هم که اگر قلمی به انصاف بر کاغذ رود بی شک در طرف پیروز جنگ نام ما را خواهد نوشت که با دفاع مقدس جنگ را و جنگ افروز را مهار زدیم چنان که به هیچ یک از اهداف خود نرسید و سرانجام در سال ۶۹، صدام جانی جنگ افروز، در نامه ای به رئیس جمهور وقت ایران- آیت ا... هاشمی رفسنجانی- به صراحت اعتراف کرد به اهداف خود نرسیده و همه چیز همانطور که «ما» خواسته ایم رقم خورده است. خاویر پرز دکوتیار دبیر کل وقت سازمان ملل هم عراق صدامی را به عنوان آغازگر جنگ و متجاوز معرفی کرد و با کنار هم گذاشتن این دو می توانیم به صراحت بگوییم، متجاوز به هیچ یک از اهداف خود دست نیافت، آن هم متجاوزی که به مدرن ترین جنگ افزارهای شرق و غرب و جنگ جویان سی و هفت کشور تجهیز شده بود و این یعنی پیروزی ما. یعنی سرفرازی ایران که در یک «جنگ جهانی» پیروز شده بود. برای این پیروزی اما به جان هزینه کردیم امیر شهید صیادشیرازی، سرلشکر کشوری، سرلشکر بابایی، سرلشکر فکوری، سرلشکر دوران، سرلشکر آشناسان و هزاران امیر و افسر و سرباز ارتش در کنار جاودانه مردانی چون همت و باکری و کاوه و خرازی و کریمی و رحیمی و برونسی و چراغچی و هزاران شهید سپاه و بسیج و رضوی و طرحچی و ساجدی و ... هزاران شهید جهاد، جان های پاک و تابناکی بودند که در طبق اخلاص ملت ایران بر مدار عاشورا رفتند تا حقانیت یک ملت ثابت شود. در خاکریز دفاع، در خط مقدم مبارزه و در نقطه رهایی عملیات، همه بودند، از شیعه تا سنی، از مسیحی تا کلیمی و زرتشتی، تا همه آنانی که به نام جاودانه ایران افتخار می کنند. در این باره نیز تاکنون سخن فراوان رفته است و روزنامه خراسان نیز در ویژه نامه های ماندگاری، چون سند عزت، اوج عزت، فرزندان خورشید، هدیه یاس، شاگرد اول مدرسه عشق و ... به احترام مردان و زنان حماسه آفرین این ملک قلم بر کاغذ برده است تا با سطور سیاه از خطوط روشن سرفرازی بنویسد که به سرخی خون خویش، بهار سبز عزت و استقلال این ملک را رقم زدند. از ایران و سرداران گفته ایم، اگرچه کتاب فضل هر کدام را «آب بحر کافی نیست/ که تر کنیم سرانگشت و صفحه بشماریم» اما به قدر نمی از آن یم گفته ایم و در این ویژه نامه برانیم تا به قدر قطره ای از دریا از حضور پرشکوه برادران مسلمان و سنی مذهبان در حماسه دفاع مقدس بگوییم. از آنانی که تمام قد ایستادند، تا ایران اسلامی سرفراز بماند، آنانی که با برادران شیعه خویش و با پیروان دیگر مذاهب، بنیان مرصوص تشکیل دادند برای دفاع از وطن. البته همین اول اعتراف می کنیم، آن چه به قلم در آمده یکی از هزاران است و سطری روشن از یک کتاب نورانی. والا هزار در هزار کتاب باید نوشت از حماسه برادرانمان، اما همین «کم» را به کرم خود قبول فرمایید که به بسم ا... آغاز شده است به سان ران ملخی که آن مور با بسم ا... الرحمن الرحیم بر آستان سلیمان نبی آورد و ... بسم ا...الرحمن الرحیم که در پرتو انوار رحمان و رحیم، راه یافتیم تا از شهید بگوییم و فرصت به سعادت رفیق شد، تا پرده را بالا بزنیم تا جهان بداند در حماسه عاشورای ۸ ساله همه ایرانیان، از سنی تا شیعه از مسیحی تا یهودی تا زرتشتی، به هر زبان و رنگ و نژاد، یک دل بودند و هزار دل عاشق حق شدند و از جاده حقیقت به سعادت شهادت رسیدند و آن چه در پی می آید، حاصل گفت وگوهایی است درس آموز که همکاران ما در محضر خانواده محترم شهدای اهل سنت، به تلمذ پرداخته اند و در پرونده ای دیگر از این ویژه نامه، خاطرات مردان ماندگار دفاع مقدس را ورق زده ایم که هر کلامش، کلیدی است برای گشایش درهای آسمان که وقتی کلام به شهید می رسد، آسمانی می شود و گره گشا. نقص و کوتاهی اگر هست- که هست- را به حساب قلم ما بگذارید و نقاط روشن را از شهدا بدانید که مطمئنیم در این راه برایمان چراغ شدند تا در پرتو انوارشان بنویسم، این ویژه نامه را هم تقدیم می کنیم به ساحت مقدس همیشه شاهدشان که نگاه نگران و دعای آنان عزت و آزادی این ملک را جاودانه می کند، پس بسم ا...الرحمن الرحیم...

